

بررسی فقهی - تربیتی اشتغال زن^۱

سید حسن عابدیان^۲

صادق اخوان روشندل^۳

عادل المزیعل^۴

چکیده

یکی از مسائل مهم فقهی که با زندگی اجتماعی گره خورده است، اشتغال زن در بیرون و به تبع آن، اختلاط با مردان در محیط کار است. این موضوع علاوه بر فقه، فضای تربیت را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ زیرا کار زن در خارج از خانه، فرایند تربیت فرزندان را تحت الشعاع قرار داده و لطمات عاطفی و روانی به فرزندان وارد می‌سازد؛ ازاین رو ممکن است اساس تربیت خانوادگی که زن به عنوان «مادر» نقشی محوری آن را ایفا می‌کند، دستخوش تغییرات نامطلوب بنیادین شود.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۴/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۱۰.

مقاله حاضر مستخرج از رساله سطح ۴ با عنوان «عمل المرأة في المجتمع على ضوء فقه الفرقین» در رشته فقه و اصول، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية می‌باشد.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (mhabed4@yahoo.com).

۳. مدرس حوزه علمیه قم (akhavsn.m.sadegh@gmail.com).

۴. استادیار، دانش‌آموخته سطح ۴ جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية رشه فقه و اصول (نویسنده مسئول)

(meyyahi1346@gmail.com)

اسلام به طور کلی، اختلاط دو جنس مخالف - در صورتی که همراه با خلوت مرد و زن نامحرم در فضایی که دیگری در آن نمی تواند رفت و آمد داشته باشد نباشد - را منع نمی کند؛ از این رو به گمان برخی، لفظ اختلاط به معنای مزبور، اصطلاح جدیدی در فرهنگ اسلامی است. در مقابل برخی، اختلاط زن و مرد را به طور مطلق منع کرده و معتقدند بر اساس نصوص قرآنی و روایی، خروج زن از منزل و توقف در محل کار برای مدت طولانی، ممنوع است، زیرا معمولاً به اختلاط با نامحرم منجر می گردد. نوشتار حاضر استنباط حکم فقهی اشتغال زن در فرض اختلاط با نامحرم و نیز اثرات تربیتی ناشی از کار زن در خارج از خانه را با روش تحقیق اجتهادی مورد بررسی قرار داده است. بررسی ادله، حاکی از آن است که مطلق اختلاط زن و مرد حرام نیست بلکه حرمت اختلاط بر فرض احتمال فتنه و وقوع در ورطه گناه، مترتب می گردد. همچنین اگر اشتغال زن، اثر سوئی در تربیت و رشد و تعالی کودکان به ویژه در سنین پایین داشته باشد، می توان به کراهت و در برخی مراتب به حرمت آن حکم نمود.

واژگان کلیدی: حجاب، تبرج، کار زنان، فقه تربیتی، فقه خانواده، تربیت خانوادگی.

مفهوم شناسی

در ابتدای بحث به اختصار به مفهوم شناسی واژه های مهم تحقیق حاضر اشاره می شود:

۱. اختلاط

«اختلاط» در لغت معنای جمع میان اجزای دو یا چند شیء است، اعم از آن که جدایی میان آن دو ممکن باشد یا ممکن نباشد. اختلاط در صورتی صدق می کند که اجزای یک شیء با اجزای شیء دیگر ممزوج شود (راغب، ۱۴۱۲ هـ ق: ۲۹۳؛ ابن فارس: ۱۴۰۴ هـ ق: ۷/ ۲۳۹). اختلاط در اصطلاح فقهی به معنای معاشرت و همزیستی میان افراد به ویژه میان زنان است. گفته شده است که واژه مزبور از واژگان وارداتی به فرهنگ اسلامی است و در خلال قرون گذشته این واژه به کار نرفته است (قرضاوی، ۱۴۲۶: ۱/ ۳۸۸)؛ از این رو بهتر است به جای آن از کلمه «لقاء»، «مقابله» یا «مشارکت» مردان و زنان استفاده کرد.

۲. کار

واژه «کار» در فرهنگ لغت فارسی به معنای شغل و پیشه، کشت و زراعت (عمید، ۱۳۶۹: ۲ / ۱۶۰۷)، و رفتار و کردار (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۷ / ۱۰۷) آمده است. در لغت عربی نیز به معنای هر فعلی که همراه با قصد و اراده صادر شود اطلاق می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲: ۵۸۷) معنای اصطلاحی کار در ساحت‌های گوناگون، متفاوت است. مفهوم فلسفی کار که بسیار وسیع است و هم در مورد خداوند متعال صدق می‌کند، هم درباره انسان و هم حتی درباره موجودات طبیعی. مفهوم فیزیکی کار که عبارت است از تبدیل انرژی که طی آن انرژی مصرف شود و تغییری در آن به وجود بیاید اسمش کار است. مفهوم اخلاقی کار که در آن افراد دو دسته تقسیم می‌شوند آدم‌هایی که دائماً می‌خواهند تلاش کنند و فعال هستند و انسان‌هایی که بیکار و تنبل و غیرفعال‌اند. اخلاق کار بیان می‌دارد که پسندیده این است که انسان فعال باشد و کار کند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۷۲- ۸۲). به‌طور مثال کار در حوزه علم اقتصاد، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی، فکری یا یدی است که به منظور کسب درآمد، انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمات باشد (نویخت، ۱۳۹۲: ۷) یا این‌که کار عبارت است از تلاش و صرف انرژی برای هدفی خاص با کمک گرفتن از ابزار و فناوری است. (خنیفر، ۱۳۸۵: ۱۷) بنابراین کار فعالیتی است آگاهانه که با کمک ابزار و امکانات مناسب به تولید کالا یا خدمات منجر شده و تأمین‌کننده نیازهای فردی و اجتماع بشری است.

۳. تربیت

«تربیت» در زبان فارسی به معنای «پروردن و آداب و اخلاق را به کسی یاددادن» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۷۷۶) و در زبان عربی، تربیت که مصدر باب تفعیل است یا از ماده «رَبَّ» اشتقاق یافته است که به معنای حضانت و در دامان پروردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۵۷/۸) و به عهده گرفتن امر کودک تا از طفولیت به درآید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۰۱)؛ یا از ماده «رَبَوَ» به معنای زیاد کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۸)، تغذیه نمودن و بزرگ کردن (جوهری، ۱۴۱۰: ۶ / ۲۳۴۹) آمده است. از این رو واژه تربیت، ناظر به فعلیت بخشیدن به استعدادها و نهفته انسان

و شکوفاسازی آن‌ها است به همین جهت امروزه مراد بسیاری از اندیشمندان مسلمان از تربیت، آن‌گاه که در مقابل تعلیم قرار می‌گیرد، به معنای پرورش روحی و معنوی انسان است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۶) تربیت در اصطلاح عبارت است از فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شکوفاسازی تدریجی استعدادهای آدمی، رفع موانع و ایجاد مقتضیات (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۴) و رسیدن به برترین درجه مقتضای طبیعت (شکوهی، ۱۳۹۴: ۲۳) است؛ اما در یک تعریف جامع، باید گفت تربیت فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/۱۴۱).

بررسی دیدگاه‌ها درباره کار زن

به طور کلی دو دیدگاه کلی درباره اشتغال و کار کردن زن در خارج از محیط خانه وجود دارد:

۱. جواز مطلق اشتغال

مطابق یک دیدگاه، زن مانند مرد از حق انتخاب شغل برخوردار است و همان‌گونه که می‌تواند تحصیل کند، می‌تواند برای خود شغلی انتخاب نماید تا از این طریق، آزادی (گراگیلیا، ۱۳۸۵: ۶۷)، شخصیت و استقلال مالی داشته باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۳۵). این دیدگاه که عمدتاً متأثر از مکتب فمینیسم است؛ به ویژه پس از انقلاب صنعتی در غرب رواج پیدا کرد و با پیشرفت زندگی ماشینی، دامنه آن کشورهای اسلامی از جمله ایران را نیز درنوردید. البته بر پایه اصولی از قانون اساسی و نیز موادی از قانون کار جمهوری اسلامی ایران اشتغال، از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب می‌شود و قوانین موجود از اعمال تبعیض علیه زنان در خصوص اشتغال و نیز مزایای مربوط به آن بازمی‌دارد. (اصول ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی، مواد ۶ و ۲۲ قانون کار).

شایان ذکر است اسلام برخی امور که در جاهلیت بدان عمل می‌شد را پذیرفت از جمله

حق اشتغال زن؛ از این رو در عصر حضور پیامبر ﷺ بودند زنانی که فعالیت اقتصادی داشتند. برای نمونه می‌توان به ام منذر بنت قیس اشاره کرد که خرما می‌فروخت یا اسماء بنت مخرمه بن جندل که عطر فروش بود، وی از یمن عطر وارد می‌کرد و در مدینه به فروش می‌رساند. برخی از زنان مانند حضرت خدیجه و هند بنت عتبه مشغول تجارت خارجی بوده و از این طریق ثروت هنگفتی به دست آورده بودند (الصباغ، ۱۹۷۵: ۱۲۱-۱۲۳). زنان همچنین برخی مشاغل حکومتی را در عصر حضور پیامبر ﷺ در اختیار داشتند مانند سمراء بنت نهیک الاسدیة که عهده‌دار امور مالی و حسبه در مکه بود (القاسمی، ۱۹۷۸: ۲۵۰).

۲. منع اشتغال

بر پایه این دیدگاه هرچند اصل کار کردن زن، منعی ندارد اما به دلیل تبعات منفی دینی، اجتماعی و تربیتی، کار کردن زن در خارج از محیط خانه ممنوع است. (المودودی، ۱۴۰۷: ۳۸) مهم‌ترین دلیل قائلین به این دیدگاه، بحث اختلاط زن با نامحرمان در محیط کار و بازماندن زن از تربیت صحیح فرزندان در محیط خانه است. (مجموع فتاوی اللجنة الدائمة بالسعودية، ۱۴۲۷: ۱۶/۱۳۴) البته غیر از مشکل اختلاط برخی دیگر برای ممنوعیت اشتغال زن به دلایل دیگری از جمله، اقتضای فطرت (رشید رضا، ۱۹۸۴: ۳۷) ناتوانی از انجام کار سخت (حکیمی، ۱۹۸۳: ۴۴) وجوب نفقه زن بر مرد و در امان نبودن از مکر مردان (السباعی، ۱۹۶۲: ۱۷۱ و ۱۵۳) فتنه نگاه و زبان و شنیدن صدای زن (المودودی، الحجاب: ۱۵۲؛ السرخسی، ۱۳۲۴: ۵/۱۸۵) مخالفت با حق شرعی زوج (الکاسانی، ۱۹۸۲: ۵/۲۱۹۷) استناد کرده‌اند.

برای رسیدن به دیدگاه مقبول، لازم است ادله و مستندات هر یک از این دو دیدگاه بررسی شود تا بتوان موضع مناسبی در قبال مسئله اتخاذ نمود.

بررسی ادله ممنوعیت اشتغال زن

اختلاط زن و مرد در محیط کار به لحاظ حکم شرعی به دو نوع، تقسیم می‌شود:

۱. اختلاط حرام؛ هرگاه محیطی که زن در آن اشتغال دارد به گونه‌ای باشد که در آن موازین شرعی رعایت نشود، اختلاط در چنین محیطی حرام است (ابن قدامة، ۱۹۹۲: ۱۰/۲۲۴؛ الموسوعه الفقيهه، ۱۴۱۰: ۱۹/۱۱۰) و طبعاً اشتغال زن نیز در چنین محیطی، جایز نیست. در محیط کار هرگاه شاخصه‌هایی مانند رعایت حجاب و عفاف، پرهیز از ارتباط فیزیکی و عدم گفتار و رفتار تحریک‌کننده رعایت نشود، شخصیت و کرامت زن به خطر می‌افتد و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد در نتیجه کار کردن برای او جایز نخواهد بود.

۲. اختلاط مشروع؛ هرگاه اختلاط زن و مرد در محیط کار در چارچوب مقررات و آداب شرعی و با رعایت شاخص‌های مذکور باشد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. (محمد مهدی، شمس‌الدین، ۱۹۹۵ م: ۸۶-۸۷).

با توجه به آنچه بیان شد، عمده دلیل مانعین آن است که اشتغال زن مشحون با اختلاط حرام است یعنی غالباً اختلاط روی داده و اشتغال زن در محیط کار فارغ از اختلال نیست. در ادامه ادله مانعین در قالب دو دسته ادله قرآنی و روایی به اجمال بررسی می‌شود:

الف) ادله قرآنی

در مقام بررسی مستندات فقهی منع اشتغال زن می‌توان به مجموعه‌ای از آیات تمسک جست:

آیه حجاب

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب، آیه ۵۳)؛ هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان [همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است.

طبق این آیه، امر به درخواست را از پشت پرده به جهت صیانت از پاکی دل‌های طرفین است. از این روی مستفاد از آیه شریفه، اصل جدایی میان زنان و مردان در تعاملات اجتماعی است. آنچه در محاورات امروزی، حجاب نامیده می‌شود فقه اسلامی به نام «ستر» شناخته می‌شود؛ از این رو مراد از حجاب در آیه مبارکه معنای امروزی آن نیست بلکه

مقصود، اصل جدایی و مانع شدن میان زن و مرد است تا موجب اختلاط نشود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۳/۳۲۹).

ممکن است مناقشه شود که آیه اختصاص به زنان پیامبر دارد؛ زیرا روی سخن در آیه با آنان است. در پاسخ باید گفت تعلیل «ذَلِكُمْ أَظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» مفید تعمیم است، چراکه طهارت و پاکی به زنان پیامبر اختصاص ندارد.

۲. آیه تبرج

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب، آیه ۳۳)؛ در خانه‌های خود بمانید، همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

مراد آیه، خروج و ظاهر شدن در انظار عمومی است؛ چراکه تبرج از برج است، برج به مکان بلند و آشکار اطلاق می‌شود (ابن منظور: ۲/۲۱۱)؛ از این رو این معنا ملازم با ظهور و بروز است. زنان قبل از اسلام در خانه نمی‌ماندند و در انظار عمومی ظاهر می‌شدند که آیه بر محجوب ماندن زنان از دید دیگران و حفظ حجاب دلالت دارد. (ابن‌العربی، ۳: ۵۶۸ - ۵۶۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۴/۱۷۹).

۳. آیه جلابیب

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب، آیه ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فروافکنند تا شناخته نشده و مورد آزار قرار نگیرند (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

علتی که در این آیه آمده یعنی مورد اذیت قرار نگرفتن زنان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۱۳۹؛ زمخشری، ۱۳۸۵: ۵/۹۸)، بحث اختلاط نیز در برمی‌گیرد؛ یعنی از امر به پوشیدن روسری و رعایت حجاب به منظور آزار ندیدن و عدم تعرض به زن از سوی افراد نااهل (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶/۳۳۹ - ۳۴۰) به طریق اولی شامل بحث اختلاط در محیط کاری نیز می‌شود، زیرا زمینه آزار و اذیت آن بیشتر است.

ب) ادله روایی

به تعدادی از روایات بر منع از اشتغال زن به دلیل پیش آمدن اختلاط در محیط کار استناد شده است که دلالت آن‌ها به اجمال بررسی می‌شود:

۱. روایت محمد بن شریح

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلَبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُرَيْحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ خُرُوجِ النِّسَاءِ فِي الْعِيدَيْنِ فَقَالَ لَا إِلَّا عَجُوزٌ عَلَيْهَا مَنْقَلَاهَا يَعْنِي الْحُقُوفِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۳۸).

راوی می‌گوید از امام صادق عليه السلام درباره بیرون رفتن زنان برای شرکت در نماز عید فطر و قربان سؤال کردم، امام فرمود: خارج نشود، مگر پیرزنانی که همراه با خفین (نوعی کفش) باشند. روایت بر عدم جواز حضور زنان (به جز پیرزنان) در نماز جمعه و عیدین دلالت دارد. البته با الغای خصوصیت از نماز عیدین، حکم مزبور نسبت به هر مکانی شلوغ و پرازدحام، قابل تعدی است. (خوئی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۱۵) از این رو روایت بر ممنوعیت اشتغال زن در محیط‌های کاری پرازدحام دلالت دارد.

۲. مرسله شیخ صدوق

«عَلِيُّ بْنُ عِيسَى فِي كَشْفِ الْعَمَّةِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ أَخْبَارِ فَاطِمَةَ عليها السلام لِابْنِ بَابُوَيْهٍ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ... فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ - خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ - وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰ / ۶۷).

برای زنان بهتر آن است که مردان را نبینند و برای مردان بهتر آن است که زنان را نبینند. این روایت دلالت بر مرجوحیت اختلاط زنان با مردان دارد، چراکه اختلاط غالباً ملازم با رؤیت طرفین است.

۳. روایت غیاث بن ابراهیم

«وَ فِي الْعَلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِبْنَةُ الْمَرْأَةِ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ - وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ فَاحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۷: ۲۰ / ۶۶).

زن از جنس مرد آفریده شده و تمام میل و اشتیاق او متوجه مردان است، لذا زنان را در خانه نگه دارید. مشابه این مضمون در روایت وهب از امام صادق عليه السلام است که علی عليه السلام روایت می‌کند که فرمود: «احْبَسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْاشِرَ الرَّجَالِ» (کلینی ۱۴۲۹: ۵ / ۳۳۷)؛ در این دو روایت، مراد از حبس زنان در خانه، مستور نگه داشتن زن و جلوگیری از اختلاط آنان با نامحرمان است.

۴. عبدالرحمن بن کثیر

«أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِيَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَنبَسَةَ عَنْ عُبَادَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ... وَ أَكْفَفَ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِيَابِكِ إِيَاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرٌ لَكَ وَ لِهِنَّ مِنَ الْإِزْتِيَابِ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا تَثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرَّجَالِ فَأَفْعَلْ». (کلینی، ۱۴۲۹: ۵ / ۳۳۸)

علی عليه السلام فرمود: زنان را در پرده حجاب نگاه‌دار تا نامحرمان را نبینند، زیرا سخت‌گیری در حجاب، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن است که افراد غیرقابل اطمینان را نزد آن‌ها بیاوری و اگر بتوانی به‌گونه‌ای زندگی کنی که زن غیر از تو را نشناسد، چنین کن!

این روایت تصریح دارد که باید میان زنان و مردان، انفصال و جدایی واقع شود.

۵. روایت دوم غیاث بن ابراهیم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاخَمُنَّ الْعُلُوجَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵ / ۵۳۷).

علی علیه السلام فرمود: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت به خرج نمی‌دهید که زنان شما رهسپار بازارها می‌شوند و برای مردان نامحرم مزاحمت ایجاد می‌کنند. در روایت دیگر آمده است: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يِعَارُ». (برقی، ۱۳۷۰: ۱/۱۱۵) خداوند کسی را که غیرت ندارد، نفرین کرده است. مطابق این روایت نیز بیرون رفتن زن از خانه، موجب اختلاط و فتنه شده و ممنوع است.

۶. روایات منع از خلوت

در متون روایی، احادیث متعددی از خلوت زن و مرد نامحرم منع می‌کنند. از آنجاکه به طور معمول، اشتغال زن در محیط کار همراه با خلوت با نامحرم می‌شود، این روایات مورد استناد مانعین قرار گرفته است که در ادامه برخی از آن‌ها مورد بررسی دلالی قرار می‌گیرند:

الف) روایت ابن عباس: «لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ، وَلَا تُسَافِرَنَّ امْرَأَةٌ إِلَّا وَمَعَهَا مُحْرِمٌ» (صحیح بخاری، ۱۴۰۱: ۴/۱۸، قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳: ۲/۲۱۴، مسلم، ۱۴۲۴: ۴/۱۰۴).

نباید هیچ مردی با زنی خلوت کند و نباید هیچ زنی مسافرت کند، مگر این‌که محرم او همراهش باشد.

ب) روایت صحیحین: «فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اكْتُبْتُ فِي عَزْوَةِ كَذَا وَكَذَا، وَخَرَجَتِ امْرَأَتِي حَاجَةً، قَالَ: اذْهَبْ فَحُجِّ مَعَ امْرَأَتِكَ» (صحیح بخاری، ۱۴۰۱: ۳/۱۰۹۴؛ صحیح مسلم، ۱۴۲۴: ۲/۹۸۷).

مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید همسرم به خاطر حاجتی [برای حج] خارج شد. پیامبر فرمود: برو همراه همسرت حج را به جا آور.

بر اساس این دو روایت، خلوت با نامحرم نهی شده و نهی، مفید حرمت است؛ از این‌رو از هر اقدامی که موجبات خلوت را فراهم می‌آورد باید پرهیز کرد. از این‌رو هرگاه اشتغال زن، موجب خلوت زن و مرد شود، ممنوع است، چراکه مقصود روایت از خلوت مرد و زن، مکانی است که امکان ورود دیگران در آن وجود نباشد و زن از این جهت ایمن از فتنه، آزار و اذیت نباشد.

نقد و بررسی ادله

در نقد و بررسی دلالی ادله قرآنی و روایی فوق، نکاتی به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱. هرچند اختلاط میان مردان و زنان برخی آثار و پیامدهای منفی را به دنبال دارد و اسلام نیز هرگز به اختلاط مردان و زنان جز در موارد ضرورت، ترغیب نکرده است؛ اما تطبیق قاعده «قلع ماده فساد» یا قاعده «حرام بودن چیزی که منجر به حرام گردد» نیاز به تأمل دارد؛ چراکه این دو قاعده در صورتی تطبیق می‌شوند که اصل اختلاط جایز بوده اما آثار و پیامدهای منفی آن، موجب حرمت شده باشد و بر نفس اختلاط، هیچ اثر مثبتی مترتب نباشد. حال آن‌که با حفظ حدود شرعی از سوی زن در محیط کار و مصون ماندن از آزار و ایمنی از وقوع در حرام، دلیلی بر حرمت اختلاط و به تبع آن ممنوعیت اشتغال زن وجود ندارد. از این رو بنا به فتوای برخی از فقها هرگاه امکان ورود شخص دیگر در محیط کار و محل خلوت زن و مرد وجود داشته باشد یا در صورت ایمن بودن زن از فساد، اختلاط جایز است (روحانی، المسائل المنتخبة، ۱۴۲۰: ۳۳۳؛ سیستانی، المسائل المنتخبة: ۴۰۶؛ نووی، المجموع ۴: ۴۸۴). پس اختلاط زن و مرد به طور مطلق، حرام نیست. پس به عنوان قاعده‌ای کلی هرگاه زن مسلمان با رعایت عفاف و حجاب و عمل به احکام ارتباط با نامحرم، خود را از آزار و اذیت و تعرض در محیط کار صیانت نماید؛ اشتغال زن جایز است.

۲. آیه تبرج مختص زنان پیامبر ﷺ است و دلیلی بر شمول آن نسبت به سایر زنان وجود ندارد به خصوص اگر مراد از تبرج در آیه، مطلق ظاهر شدن باشد؛ زیرا اولاً در قرون اولیه اسلام، فقها گرچه درباره خارج شدن زنان با اذن یا بدون اذن ولی سخن گفته‌اند اما هرگز سکون و استقرار در خانه را مطرح ننموده‌اند باین‌که آنان نیز روایات منع خروج زنان را در نظر داشته‌اند. ثانیاً منع از خروج زنان و ممانعت از اشتغال آنان، مخالف با سیره مسلمین است.

۳. تأکید آیه جلباب بر ضرورت پوشش مناسب زنان، بدین جهت است تا آنان شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. مستفاد از این بیان آن است که زنان از خانه‌های خود خارج می‌شدند؛ از این رو به رعایت پوشش مناسب امر شده‌اند و اگر خروج آن‌ها از خانه ممنوع بود، چنین توصیه و فرمانی لغو بود. دست‌کم سیره برخی از زنان پیامبر ﷺ این‌گونه بوده که با مسلمانان گفت‌وگو داشته‌اند و قرآن کریم، زنان پیامبری را از سخن گفتن به نرمی و ملامت منع می‌کند، این بدان معناست که اصل تعامل و سخن گفتن با دیگران برای آنان جایز بوده است.

شایان ذکر است آیاتی مانند «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ» (طلاق، آیه ۱)؛ زنان را از خانه‌هایشان خارج نکنید و آنان نیز خارج نشوند یا أَشْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ (طلاق، آیه ۶)؛ زنان را در جایی که سکونت دارید جای دهید» آیه اختصاص به زنان مطلقه دارد و شامل سایر زنان نمی‌شود.

۴. استناد به روایت ابن شریح در صورتی مقبول است که مراد از کلمه «لا» در کلام امام، نهی از مشارکت در نماز باشد، در غیر این صورت، قدر متیقن از این نوع روایات، عدم وجوب نمازهای مذکور است؛ یعنی سؤال راوی درباره وجوب نمازهای مذکور است چون عمومات و اطلاقات نماز جمعه و عیدین ایجاب می‌کند که نماز جمعه و عیدین به صورت همسان بر مرد و زن واجب باشد، راوی با این پیش فرض، از امام سؤال می‌کند که در چنین حالتی طبیعتاً سؤال از وجوب نماز خواهد بود نه از جواز آن و نهی در مقام نفی وجوب، مفید جواز است و دلالتی بر حرمت ندارد؛ از این رو روایت مزبور بر مرجوح بودن اختلاط و متعاقب آن ممنوعیت اشتغال زن، دلالتی ندارد.

اگر شک شود که مفسده حضور در نماز عیدین برای زنان یا به جهت مطلق اختلاط زنان است یا به خاطر اختلاط معهود و متعارف در زمان صدور روایت - در آن زمان به دلیل تنگ بودن راه‌ها و ازدحام جمعیت، معمولاً بدن زنان و مردان با یکدیگر تماس پیدا می‌کرد - در این صورت اگر خارج شدن زنان از خانه، همراه با تماس فیزیکی با مردان نباشد، پس اصل خروج و اشتغال زن بدون اشکال باقی می‌ماند.

۵. روایات دال بر منع از اختلاط مردان و زنان، به لحاظ سند، ناتمام بوده و عموماً فاقد اعتبار سندی هستند؛ مانند عبدالرحمن بن کثیر که ارسال در سند دارد یا مرسله شیخ صدوق که دلالتی بر حرمت اختلاط و ممنوعیت اشتغال ندارد. برخی از روایات مانند روایت غیاث بن ابراهیم هر چند سنداً معتبر است اما دلالت آن محل اشکال است؛ زیرا میان گزاره «إِنَّهَا هُمُّهَا فِي الرَّجَالِ» - قصد و اشتیاق زنان متوجه مردان است - و گزاره «فَأَخْبِسُوا نِسَاءَكُمْ» به عنوان نتیجه، ملازمه روشنی وجود ندارد. مطابق گزاره اول، زنان چون میل به مردان دارند مورد وثوق نیستند و اگر از خانه خارج شوند ایمنی از جانب زنان وجود

ندارد؛ درحالی که به طور معمول، تعرض از سوی مردان نسبت به زنان صورت می‌گیرد. ازاین رو برخی شائبه جعل رایت مزبور و مخالفت با واقع را درباره آن مطرح نموده‌اند (محمد مهدی شمس‌الدین، ۱۹۹۵: ۸۶-۸۷). ضمن این‌که حبس در میان عرب رایج نبود و در زمان حضور پیامبر (زنان در خانه محبوس نمی‌شدند).

شاید بتوان گفت مراد از «رجال» در روایت مطلق مردان نیست بلکه مقصود، شوهر و زوج است در نتیجه روایت عبارت اظهار می‌دارد از آنجاکه میل و اشتیاق زن به شوهر خود زیاد است، باید در خانه، قرار بگیرد تا این علاقه مندی افزایش یابد.

۶. روایت دوم غیاث بن ابراهیم بر مرجوحیت مزاحمت زنان نسبت به مردان دلالت دارد. مراد از مزاحمت، مطلق اختلاط نیست بلکه مراد، نوعی حرکت دادن و به اصطلاح عامیانه هل دادن است در اثر کثرت جمعیت و ازدحام رخ می‌دهد. علت منع از مزاحمت، ارتباط فیزیکی و تماس با مردان است که این رفتار به‌دوراز شأن و جایگاه زن است.

۷. مطابق روایات منع از خلوت، نمی‌توان مطلق اشتغال زن را منع کرد و حکم به حرمت آن داد، زیرا اگر محیط کار به‌گونه‌ای باشد که امکان ورود و خرج دیگران در آن فراهم باشد یا زن و مرد همکار، در مرئی و منظر دیگران قرار دارند، مفهوم خلوت صدق نمی‌کند ازاین رو نمی‌توان به عدم جواز اشتغال زن در چنین محیطی حکم نمود.

جمع‌بندی

ادله ممنوعیت اشتغال به دلیل اختلاط، در مجموع به لحاظ سند ناتمام هستند و اطمینان به صدور روایتی که مطلق اختلاط را حرام بشمارد، وجود ندارد. از طرفی عمده دلیل منع اشتغال زن، حرمت اختلاط بود که با اثبات عدم حرمت مطلق اختلاط، می‌توان گفت در شرع دلیلی بر حرمت مطلق اشتغال زن وجود ندارد. حتی بنا بر حرمت اختلاط و وقوع قهری اختلاط در محیط کار، چنانچه حدود و موازین شرعی تعیین شده، رعایت گردد و زن از آزار و تعرض مصون باشد و با حفظ حجاب و عفاف موجب تحریک نامحرم نشود؛ نفس اختلاط و اشتغال بلاشکال باقی خواهد ماند.

بررسی اثرات تربیتی اشتغال زن

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد، موضوع اشتغال زن غیر از مباحث فقهی برخی آثار و پیامدهای نامطلوب تربیتی نیز بر جای می‌گذارد که برخی از این پیامدها مستقیماً فرایند تربیت فرزندان را نشانه رفته و برخی نظام خانوادگی یا شخصیت و هویت زن و برخی رابطه زناشویی را مختل می‌سازد. در ادامه به اجمال، برخی از موارد بررسی می‌شوند.

۱. ایجاد خلأ عاطفی

زندگی فرزندان در با ارتباط با والدین به ویژه مادر آغاز شده و معنا پیدا می‌کند. در سایه این ارتباط است که نه فقط نیازهای جسمانی بلکه عواطف و احساسات، حتی توان و بهره هوشی فرزندان، تأمین می‌شود. (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۳۳) با این وجود اشتغال و خروج زن از خانه در درازمدت و نبود عامل «همراهی» مادر، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به تربیت فرزندان وارد می‌سازد؛ چراکه تربیت فرزند و باز کردن گره از تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف کودک، تنها با سرانگشتان مادر امکان‌پذیر است تا کودک دچار عقده عاطفی نشود. (مقام معظم رهبری، سومین نشست اندیشه‌های راهبردی: ۱۳۹۰) شاید مادر با تأمین نیازهای مادی و جسمانی فرزندان تا حدودی بتواند نبود خود در خانه را جبران کند اما به طور قطع، تأمین نیازهای روحی و عاطفی فرزندان با اخلال مواجه می‌شود که این امر خود تبعات و آثار نامطلوب دیگری در سنین نوجوانی و جوانی به جای گذارده و در مواردی، منجر به انحراف و انحطاط اخلاقی فرزندان می‌شود.

بر اساس عمومات و اطلاعات باب تربیت، اشتغال زن با توجه به تبعات مزبور، ممنوع است. همچنین بر اساس قاعده لا ضرر، از آنجاکه اشتغال مادر موجب ایراد ضرر عاطفی به فرزند شده و روان وی را مختل می‌سازد، کار کردن زن به دلیل تبعات نامطلوب تربیتی، جایز نیست، چراکه ضرری که طبق این قاعده رفع می‌گردد، شامل ضرر معتنا به جسمی، روحی و عاطفی به فرزندان می‌شود. همچنین اگر عدم توجه به عواطف فرزندان، باعث ایجاد عقده روحی، سقوط اخلاقی و خروج از مسیر هدایت و کمال فرزندان شود؛ عدم رفع خلأهای

عاطفی بر والدین، حرام است. بنابراین اگر والدین در ابراز محبت و گرم کردن کانون مهر خانواده کوتاهی کنند مرتکب گناه و مستوجب عقاب اخروی می شوند (بقره، آیه ۲۴۳).

۲. از بین رفتن الگوی رفتاری

از مهم ترین روش های تربیت فرزندان، روش الگوسازی است. الگو عبارت است از مدل یا راهنمای عمل که در رفتارهای اجتماعی به کار می آید. (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۷۵) به عبارتی دیگر، الگو بیانی از نظم است و بر مجموعه ای از روش های رفتاری قابل رؤیت انسان، دلالت می کند (محمدی، ۱۳۷۳: ۳۰۳). در فرایند تربیت بهره گیری از تئوری عمل به جای نظریه پردازی و تعلیم های تجربی؛ اولاً در تصحیح و تصفیه تئوری تربیتی دخالت دارد و ثانیاً انسان را به تشخیص درست آنچه واقعاً تحت یک سلسله شرایط معین، عملی و امکان پذیر است، قادر می سازد. (اسمیت، ۱۳۷۰: ۹۶) فرزندان به ویژه در سال های اولیه، دقیقاً از رفتار، گفتار و عملکرد والدین خود الگوبرداری نموده و بسیاری از مهارت های کلامی و رفتاری را از تعامل با آنان، فرامی گیرند. والدین نیز با القائات خود، افکار، اعتقادات، امیال و رغبات فرزندان را جهت بخشیده و ارتقا می دهند.

تحقیقات حاکی از آن است که فرزندان همراه با مادر، از جنبه های رشد جسمانی و بدنی، ادراکی، حافظه، شناخت محیط، هوش و رشد اجتماعی، بر کودکان جدای از مادر برتری دارند (مصباح، ۱۳۷۴: ۲/۸۵۹). از این رو است که روسو اعتقاد دارد برای اصلاح اجتماع، ابتدا باید نه از دولت، بلکه از خانواده شروع کرد. اگر بتوان اصلاحی در آداب و رسوم عمومی پدید آورد، باید در بدو امر با اصلاح آداب و رسوم خانوادگی آغاز شود و این امر مطلقاً بر عهده پدران و مادران است (امینی، ۱۳۷۳: ۱۲۶-۱۲۸).

معمولاً پدر به دلیل اشتغال در بیرون، کمتر در خانه حضور دارد، از این رو وجود مادر به نوعی مکمل نقش الگویی پدر نیز هست که با اشتغال مادر و خروج وی از محیط خانه، بنیان الگوی رفتاری فرزندان به کل از هم فرومی ریزد و فرزندان در کسب مهارت ها و شکل گیری هویت خویش دچار اخلال و سردرگمی می شوند. فرزندان در چنین خانواده هایی

به مرور انواع رفتارها و عملکردهای مثبت یا منفی را از دیگران فرامی‌گیرند در این صورت، والدین دیگر کنترلی بر رفتار فرزندان ندارند و این امر زمینه انواع آسیب‌های روحی و روانی و انحرافات اخلاقی را فراهم می‌سازد (سادات، ۱۳۷۲: ۸۲).

۳. اضمحلال نظام خانوادگی

خانواده یکی از ارکان مهم جامعه و زنان به‌عنوان همسر و مادر، عضو کلیدی و ستون خیمه آن به‌شمار می‌روند. بقای هر خانواده وابسته به ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های اعضای آن به‌ویژه پدر و مادر است. به لحاظ حکم شرعی، بهره‌مندی از حس مسئولیت در قبال فرزندان، هرچند مستحب است اما در مواردی که والدین مسئولیتی واجب در قبال آنان دارند، واجب می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۲۳). بر این اساس اگر اعضا به وظیفه خود در قبال سایر اعضا مباردت نورزند، استحکام خانواده از بین می‌رود.

با توجه به ویژگی‌های فطری، لطافت روحی و صبر و متانت خدادادی زن، مهم‌ترین شغل و رسالت او تربیت فرزندان و ایجاد آرامش برای همسر است. چنانچه اشتغال زن به این وظایف و مسئولیت‌ها ضربه بزند، دیری نمی‌گذرد که بنیان خانواده فرومی‌ریزد؛ زیرا بقا و استمرار وظایف دیگر اعضا در وهله نخست، بر ایفای نقش کلیدی مادر در خانواده مترتب است. مادری که با پذیرش شغلی خارج از خانه، درواقع مسئولیتی مضاعف را پذیرفته، بخش معظمی از توان و انرژی خود را در محیط کار از دست می‌دهد و با انواع استرس و فشار روانی به خانه برمی‌گردد در نتیجه نمی‌تواند آن‌گونه که باید به امور خانه، فرزندان و همسر رسیدگی کند. به تبع آن، روابط عاطفی، کلامی و زناشویی کم‌رنگ شده و زمینه برای اختلافات خانوادگی، گسست عاطفی میان زوجین و طلاق فراهم می‌شود. تحقیقات حاکی از آن است که میان اشتغال و طلاق رابطه مستقیم و دوطرفه برقرار است. درخواست طلاق از سوی زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل است؛ چراکه استقلال اقتصادی زنان گاه انگیزه مردان را برای طلاق تقویت می‌کند زیرا مردی که زن خود را طلاق می‌دهد، به آسانی از پرداخت هزینه‌های مربوط به مراقبت از کودک می‌گریزد. برخی معتقدند هرچه احتمال

ناسازگاری و طلاق در خانواده‌ها بالا رود، میزان گرایش زنان به اشتغال نیز بیشتر می‌شود (بستان، ۱۳۸۳: ۲۴۰). به‌واقع استقلال مالی زن و کم شدن نیاز به همسر، با کاهش آستانه تحمل‌پذیری زن، میل به جدایی و طلاق را افزایش می‌دهد و این یکی از مهم‌ترین اثرات نامطلوب اشتغال است که هم فرایند تربیت و هم قوام نظام خانواده را مختل می‌سازد.

۴. نقصان در تربیت اجتماعی

میل به ارتباط با دیگران و داشتن زندگی اجتماعی سالم، طبیعی انسان است و کسب بسیاری از فضایل اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و رشد شخصیت، لازمه زندگی اجتماعی است؛ ازاین‌رو اهتمام به تربیت اجتماعی فرزندان یکی از اهداف مهم تربیت و از کارکردهای اصلی خانواده است. از دیدگاه فقه تربیتی، والدین نسبت به فرزندان، وظیفه صیانتی دارند و واجب است زمینه نجات آنان از آتش دوزخ را فراهم سازند (تحريم، آیه ۶). بر این اساس، زمینه‌سازی برای پرورش و شکل‌دهی شخصیتی سالم، ازجمله تربیت اجتماعی فرزندان بر والدین واجب است.

خانواده عامل اصلی انتقال تجربیات، فرهنگ، زبان، مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و پرورش روحی و فکری فرزندان است. ازجمله معانی تأدیب در فقه تربیتی، آموختن آداب و راه و رسم درست زندگی کردن است که این معنا، متضمن تربیت اجتماعی فرزندان است (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۷۸/۱-۱۸۱). تربیت اجتماعی در تعریفی بسیط، آشنا ساختن متربی با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش در این مورد است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۲: ۱۱۵) ازآنجاکه فرزندان برای همیشه در کنار والدین نمی‌مانند، بلکه خود باید در محیط اجتماع حضور پیدا کند و بتواند با دیگران، ارتباط تعامل سازنده و منطقی برقرار کند؛ لازم است والدین آداب، شرایط و ضوابط تعامل با دیگران در محیط اجتماع را به فرزندان بیاموزند. بخشی از این آموزش‌ها در قالب گفتار، قابل انتقال است اما بخش وسیعی از آن، از رفتارهای والدین اقتباس می‌شود که لازمه آن، همراهی و مصاحبت فرزندان با والدین به‌ویژه با مادر است. حال اشتغال زن، فرصت همراهی

فرزندان و یادگیری آداب اجتماعی سالم و سازنده را از آنان سلب می‌کند. مادر شاغل به دلیل خستگی و تحلیل نیروی بدنی و فکری، توان همیاری فرزندان را ندارد و در ایفای این مسئولیت مهم ناتوان است؛ از این رو به مرور، تربیت‌پذیری اجتماعی فرزندان دچار اخلال شده و آنان در مواجهه با دیگران، نمی‌توانند کنش‌های منطقی بروز دهند و افرادی سرخورده مأیوس، ناتوان از خلاقیت و ابتکار و ترس از تشکیل زندگی بار می‌آیند (احدی، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

۵. تحمیل و تضاعف مسئولیت

بدون تردید، اشتغال زن سبب تشدید و تضاعف مسئولیت‌های وی شده و ناخواسته وظایفی بر او تحمیل می‌کند؛ زیرا شغل و وظیفه اصلی زن، همسراری و مادری کردن است که هیچ بدیلی ندارد و فقط زن می‌تواند از پس آن برآید (مقام معظم رهبری، سومین نشست اندیشه‌های راهبردی: ۱۳۹۰) اشتغال و پذیرش مسئولیت جدید، بخشی از توان و کارایی زن در قبال مسئولیت‌های فطری او را سلب نموده و در درازمدت، موجب ناکارآمدی در تربیت فرزندان می‌شود. اشتغال زن از بعد تربیتی، نوعی تحمیل و تکلیف کردن به فوق توان است؛ زیرا زنان فی‌نفسه نمی‌توانند در هر دو عرصه اقتصاد و تربیت، مسئولیت‌ها و وظایف محوله را به سرانجام رسانند، چراکه توان بدنی، روانی و عاطفی زن محدود است همان‌گونه که مرد نیز عاجز است و نمی‌توان به کار در بیرون و هم‌زمان به تربیت فرزندان مشغول باشد.

بر اساس قاعده عقلی قبح تکلیف به مالایطاق (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۱۳۵؛ شوکانی، ۱۴۲۱: ۸۴) همان‌گونه که بر شارع حکیم قبیح است بندگان را به تکالیف و وظایف فوق توان و قدرت آن‌ها تکلیف نماید؛ در امور بشری نیز نمی‌توان به بیش از حد توان، فردی را به انجام وظایف و مسئولیت‌ها وادار نمود. به واقع عقل، اشتغال زن از آن جهت که فوق توان و قدرت اوست، منع می‌کند. بدون تردید این منع عقلی بر اساس قاعده ملازمه، منع شرعی را نیز به دنبال دارد. به‌طورکلی اگر سپردن وظایف و مسئولیت‌های شغلی به زن، فوق توان و قدرت بدنی و روانی او باشد، شرعاً ممنوع و حرام است. همچنین از آنجاکه اشتغال، آسیب‌های تربیتی به فرزندان وارد می‌سازد، این حرمت، مؤکد می‌گردد.

جمع‌بندی

با توجه به برخی از تبعات و پیامدهای نامطلوب تربیتی اشتغال زن، به نظر می‌رسد بر اساس قواعد و اطلاعات فقه تربیتی، اشتغال زن مرجوح باشد و در مواردی که موجب آسیب جدی عاطفی یا انحراف فرزندان می‌شود، می‌توان به حرمت اشتغال زن حکم نمود. البته در برخی از موارد، اشتغال زن نه تنها مرجوح نیست بلکه به لحاظ عقلی، عرفی و شرعی ضرورت دارد. در این موارد بر اساس قاعده الایم فالایم، به دلیل آن‌که در برخی از مشاغل حضور مرد، منع شرعی دارد یا زن از توانایی علمی خاصی برخوردار است، اشتغال زن نه تنها مرجوح نیست، بلکه بنا به برخی از دیدگاه‌ها وجوب عینی پیدا می‌کند: «اگر زنانی بتوانند به مقام فقاہت برسند و به نکات دقیقی از مطالب اسلامی آگاهی یابند که مردها به آن توجه نکرده‌اند در این مقام، تدریس و تعلیم، بر زن واجب عینی می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۰۴).

شایان ذکر است در برخی از موارد که زن به کار کردن در محیط خارج از منزل، ناچار است باید پدر خانواده ضمن کمک و یاری زن و به عهده گرفتن بخشی از مسئولیت‌های او، تلاش نماید تبعات منفی کار زن به ویژه در امور مربوط به تربیت فرزندان را به حداقل برساند. امروزه گرچه سپردن کودک به مهدکودک یکی از راهکارهای مادران شاغل است اما باید اذعان کرد که هیچ شخص و نهادی نمی‌تواند نقش مادری را برای کودک ایفا کند و بر فرض که مهدکودک از همه جهت، معیارها و صلاحیت‌های تربیت سالم را داشته باشد، اما با این وجود، الگوهای تربیتی مادر با آن متفاوت است و کودکی که در مهدکودک پرورش می‌یابد تربیتی دوگانه پیدا می‌کند. چنین کودکانی، افرادی، لجوج، بی‌بندوبار و حرف‌نشنو بار خواهند آمد که برای اطرافیان ارزشی قائل نبوده و بعدها با ورود به عرصه اجتماع، فردی بی‌مسئولیت و بی‌اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی بار خواهد آمد.

همچنین مادر شاغل می‌تواند با کمک گرفتن از پدر بزرگ و مادر بزرگ یا یکی از بستگان درجه اول تا حدودی کمبود عاطفی فرزندان را جبران کند. هرچند که این گزینه نیز کودک را با مشکلات و محدودیت‌های تربیتی مواجه می‌سازد. آستانه تحمل پدر بزرگ و مادر بزرگ با توجه به کهولت سن و کاهش میزان توانمندی کاهش می‌یابد از این رو نمی‌توانند به طور

مستمر با تربیت کودکان همراه باشند و آن‌ها را کنترل نمایند. ضمن این‌که میان روش تربیت و سبک فرزند پروری والدین با آن‌ها تفاوت وجود دارد؛ از این‌رو کودکان با دو نوع روش و سبک مواجه می‌شوند که در مواردی، سردرگم‌کننده است.

در برخی از موارد که امکان دورکاری وجود دارد، زنان شاغل بدان اقدام می‌کنند و ضمن حضور در خانه و رسیدگی نسبی به امور فرزندان به نوعی کار خود را هم پی می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

ادله ممنوعیت اشتغال به دلیل اختلاط، در مجموع به دلالت سند ناتمام هستند و در نتیجه اطمینان به صدور روایتی که مطلق اختلاط را حرام بشمارد، وجود ندارد و عمده دلیل منع از اشتغال زن، حرمت اختلاط بود؛ از این‌رو در شرع دلیلی بر حرمت مطلق اشتغال زن وجود ندارد ضمن این‌که اگر بنا بر حرمت اختلاط و وقوع قهری اختلاط در محیط کار چنانچه حدود و موازین شرعی تعیین شده رعایت گردد و زن از آزار و تعرض مصون باشد و با حفظ حجاب و عفاف موجب تحریک نامحرم نشود؛ نفس اختلاط و اشتغال بلاشکال باقی خواهد ماند. اختلاط در صورتی حرام است که منجر به فتنه و افتادن در حرام گردد، اگر منجر به حرام نگردد، مطابق با سیره جامعه اسلامی بوده و جایز است.

اما با توجه به تبعات نامطلوب تربیتی اشتغال زن، بنا به اطلاقات فقه تربیتی، کار زن مراتبی از حکم شرعی را به خود اختصاص می‌دهد. از آنجاکه اشتغال زن موجب نقص در تربیت فرزندان و ایراد ضرر عاطفی و روانی آنها می‌گردد و نیز موجب آسیب و انحراف اخلاقی فرزندان می‌شود، حکم اولیه اشتغال زن حرمت است.

اما اگر والدین و به‌ویژه مادر بتوانند از آسیب‌ها و آثار نامطلوب فوق جلوگیری کرده یا میزان آن را کاهش دهد به‌گونه‌ای که ضرر معتنا به جسمی و عاطفی به فرزندان وارد نشود، اشتغال زن جایز است. در مواردی نیز که برخی از مشاغل منحصر به حضور زنان است یا زن از توانایی علمی بالایی برخوردار است، اشتغال زن در این امور نه تنها منعی ندارد، بلکه واجب است.

منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن حبان، محمد بن حبان تمیمی، *المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، انتشارات الوعی، حلب - سوریه، چاپ اول، ۱۳۹۶ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، دار المعرفة، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، مؤسسه الرسالة، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۹۵۶ م.
۷. ابن عابدین، محمد امین، *حاشیه رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر الابصار فی فقه مذهب الإمام ابی حنیفة النعمان*، دارالفکر، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن قدامة، عبدالله به احمد بن محمد، *المغنی*، انتشارات هجر للطباعة و النشر، قاهره، چاپ دوم، ۱۹۹۲ م.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر - دارالصادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *علل الشرائع*، کتاب فروشی داوری، قم: چاپ اول، ۱۳۸۶ق.
۱۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. احدی، حسن و بنی جمال، *شکوه سادات، روان شناختی رشد*، نشر پردیس، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۱۴. احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، المكتبة الاسلامیه، قاهره، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.

۱۵. اسمیت، فیلی جی، *فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه سعید بهشتی، نشر نی، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی، حج (مبانی و پیش فرض ها)*، مؤسسه فرهنگی و هنری اشراق و عرفان، قم: چاپ سوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. الإمام یحیی، بن الحسین، *کتاب الأحکام*، تجميع علی بن أحمد بن أبی حریصة، [بی جا]، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، انجمن اولیا و مربیان، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دار الطباعة العامرة، استانبول، ۱۴۰۱ ق.
۲۰. برقی، أحمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۳۰ ش.
۲۱. بستان، حسین، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم: چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. بهشتی، احمد، *تربیت کودک در جهان امروز*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، *سنن الترمذی*، دارالفکر، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، قم: نشر اسراء، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، دارالعلم للملایین، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. حاجی ده آبادی، محمد علی، *درآمدی بر نام تربیتی اسلام*، دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۷۲ ش.
۲۸. حاکم نيسابوری، أبی عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، دار المعرفة، بیروت: [بی تا].
۲۹. حسینی سیستانی، سید علی، *العبادات و المعاملات، المسائل المتخبة*، دفتر آیت الله سیستانی، قم: چاپ نهم، ۱۴۲۲ ق.
۳۰. حکیمی، محمدرضا، *اعیان النساء*، مؤسسه الوفاء، بیروت: چاپ اول، ۱۹۸۳ م.
۳۱. خینفر، حسین، *کارآفرینی در نظام ارزشی*، انتشارات اکرام، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
۳۲. دارمی، عبدالله بن الرحمن بن الفضل، *سنن الدارمی*، چاپ الاعتدال، دمشق، چاپ اول، ۱۳۴۹ ق.

۳۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، نشر دریا، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۲ ش
۳۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۳۵. راغب، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، دار العلم، لبنان و الدار الشامیة، سوریه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۶. رشید رضا، *حقوق النساء في الإسلام*، المکتب الإسلامی، بیروت: چاپ اول، ۱۹۸۴ م.
۳۷. روحانی، سید محمد، *المسائل المنتخبة*، چاپخانه سپهر، قم: چاپ دوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. زمخشری، جار الله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق التنزیل*، چاپ مصطفی الحلبي، مصر، ۱۳۸۵ ق.
۳۹. زیبایی نژاد، محمدرضا، *فمینیسم و دانش های فمینیستی*، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم: چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۴۰. سادات، محمد علی، *رفتار والدین با فرزندان*، انجمن اولیا و مربیان، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۴۱. السباعی، مصطفی، *المرأة بین الفقه والقانون*، مؤسسة الرسالة، دمشق، چاپ اول، ۱۹۶۲ م.
۴۲. السرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط في الفقه*، مطبعة السعادة، قاهره، چاپ اول، ۱۳۲۴ ق.
۴۳. سید رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، [بی جا]، چاپ پنجم، ۱۴۳۱ ق.
۴۴. سید مرتضی، علی بن حسین، *الذخيرة في علم الکلام*، مؤسسة النشر الإسلامی، قم: چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۴۵. سیوطی، جلال الدین، *الدر المثور في تفسير المأثور*، نشر مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۴۶. شکوهی، غلامحسین، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، چاپ سی و چهارم، ۱۳۹۴ ش.
۴۷. شمس الدین، محمد مهدی، *مسائل حرجة في فقه المرأة*، المؤسسة الدولية للدراسات و النشر، بیروت: چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
۴۸. شوکانی، محمد بن علی، *نیل الأوطار*، دار الحدیث، مصر، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۹. شوکانی، محمد بن علی، *ارشاد الفحول*، دار الفضیله، ریاض، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۵۰. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان في تفسير القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۵۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الأخلاق*، نشر شریف رضی، قم: چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۵۳. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *الأمالی*، دار الثقافة، قم: چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۵۴. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *النهائية فی مجرد الفقه والفتاوی*، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۰ ق.
۵۵. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. الصباغ، د. لیلی، *المرأة فی التاريخ العربی*، وزارت فرهنگ و ارشاد ملی، دمشق، چاپ اول، ۱۹۷۵ م.
۵۷. عاملی (شیخ حر عاملی)، محمد بن حسن، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، قم: چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۵۸. عقیلی، محمد بن عمرو، *الضعفاء الكبير*، دارالکتب العلمیه، بیروت چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۵۹. عکبری (شیخ مفید)، محمد بن محمد نعمان، *أحكام النساء*، دار المفید، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۶۰. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیر کبیر، تهران: چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.
۶۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۶۲. الفاسمی، ظاهر، *نظام الحكم فی الشریعة والتاریخ الاسلامی*، دار النفائس، بیروت: چاپ اول، ۱۹۷۸ م.
۶۳. قاضی المغربی، نعمان بن محمد تمیمی، *دعائم الاسلام*، دار المعارف، مصر، ۱۳۸۳ ق.
۶۴. قرضاوی، یوسف، *من هدی الاسلام*، دار القلم للنشر و التوزیع، الكويت، چاپ پنجم، ۱۴۲۶ ق.
۶۵. قرطبی، محمد بن أحمد الأنصاری، *الجامع لأحكام القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۶۶. کاسانی، علاء الدین، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ اول، ۱۹۸۲ م.
۶۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الحدیث للطباعة و النشر، قم: چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۶۸. کوفی، محمد بن محمد اشعث، *الجعفریات - الأشعثیات*، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران: چاپ اول، بی تا.
۶۹. گراگیلیا، کارولین، *فمینیسم در آمریکا*، ترجمه معصومه محمدی، قم: نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

۷۰. گروه نویسندگان (قضایا الشباب)، *مجموع فتاوی اللجنة الدائمة بالسعودية*، بی نا، ریاض، ۱۴۲۷ ق؛
۷۱. محمد بن عبدالله، ابن العربی، *احکام القرآن*، به کوشش محمدعلی البجاوی، دارالفکر، بیروت: ۹۷۲ م.
۷۲. محمدی، بیوک، «الگوهای فرهنگی خاموش»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳ ش.
۷۳. مصباح یزدی، محمدتقی و گروه نویسندگان، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، انتشارات مدرسه، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۷۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *کاردر نظام ارزشی اسلام*، مجله کار و جامعه، شماره ۸ و ۹، ۱۳۷۴ ش.
۷۵. مصباح، علی و دیگران، *روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، انتشارات سمت، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۷۶. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیر کبیر، تهران: چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸ ش.
۷۷. مکارم شیرازی، ناصر، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم: چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۷۸. منتظری، حسین علی، *دراسات فی مکاسب المحرمه*، نشر تفکر، قم: چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷۹. المودودی، ابوالاعلی، *الحجاب*، دارالفکر العربی، کویت، چاپ اول، بی تا.
۸۰. المودودی، ابوالاعلی، *حقوق الزوجین*، ترجمه احمد ادریس، مکتبه القرآن، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۸۱. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *مبانی العروة الوثقی کتاب النکاح*، منشورات مدرسه دار العلم، قم: چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۸۲. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، انتشارات داوری، قم: چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۸۳. نوبخت، محمدباقر، *اقتصاد کار*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۹۲ ش.
۸۴. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، نشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت: چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۸۵. نووی، یحیی بن شرف، *المجموع*، دارالفکر، بیروت: ۲۰۱۰ م.
۸۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری، *الجامع الصحیح*، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۸۷. وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، *الموسوعه الفقهیه*، نشر ذات السلاسل، کویت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۸۸. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد ومنیع الفوائد*، دار الکتب العلمیه، بیروت: چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.